

دره در که، به مثابه شارباغ ایرانی

فرشاد بهرامی*

۱. دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۱

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۷/۶/۲۶

چکیده | روند تخریبی روددره‌های شهر تهران و تجارب ناموفق در نمونه‌های مختلف نشان از عدم شناخت صحیح و استفاده نادرست از ظرفیت‌های این روددره‌ها است. روددره در که یکی از هفت روددره باارزش تهران است که به عنوان یکی از کریدورهای اصلی و طبیعی در کوه پایه‌های رشته‌کوه البرز قرار دارد. روددره در که از سه مؤلفه آب، گیاه و دانه‌های معماری تشکیل شده است. هم‌نشینی لاینفک این سه مؤلفه، ساختار طبیعی و بومی روددره در که را بازگو می‌کند. مسیر حرکت رود در خط القعر دره و شکل‌گیری درختان و گیاهان در امتداد آن و حضور دانه‌های معماری در انتهای مسیر حرکت رود، شاکله اصلی روددره در که را شکل می‌دهد. فرضیه شارباغ ایرانی که در سال ۱۳۹۴ در شماره ۳۳ مجله منظر توسط مهدی شیبانی و مریم اسماعیل‌دخت مطرح شد، عناصری برای الگوی شارباغ را بازگو کرد که آب، گیاه و دانه‌های معماری به عنوان مؤلفه‌های اصلی و شاکله شارباغ در مقاله مذکور مطرح شد. به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های شارباغ ایرانی می‌تواند الگوی شکل‌گیری روددره در که باشد که آب، گیاه (باغات در که) و دانه‌های معماری (روستا در که) در ساختاری خطی و در امتداد مسیر حرکت رود شکل گرفته‌اند. پیکره باغات در که و دانه‌های معماری (روستای در که) با توجه به بستر طبیعی و مسیر حرکتی رود، الگوی شار باغ ایرانی را دنبال می‌کنند.

این پژوهش به دنبال نظریه‌ای برای توسعه‌های آتی روددره در که است و با بررسی الگوی شارباغ ایرانی و تطبیق آن با مؤلفه‌های منظرساز روددره در که، این موضوع را استنتاج می‌کند که الگوی شارباغ ایرانی پایه و اساس روددره در که است و در توسعه‌های آتی این روددره، امکان به کارگیری این نظریه امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی | روددره در که، شارباغ ایرانی، ساختار طبیعی دره، منظر طبیعی رود.

مؤثری داشته است. امروز اهمیت روددره‌ها با توجه به افزایش آلودگی شهرهای بزرگ و همچنین کاهش فضاهای تفریحی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و نحوه ساماندهی آنها، چالشی برای مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان و شهروندان به شمار می‌رود. روددره‌ها علاوه بر ایجاد فرصتی تفریحی و اقتصادی در شهر، مدیریت شهری را در رسیدن به اهداف متنوعی مانند تفرج‌گاه‌ها، محوطه‌های ورزشی و همچنین ایجاد امنیت بیشتر در فضاهای غیر قابل دفاع نزدیک می‌کند (کریمی مشاوری، ۱۳۹۲).

دره‌های تهران در جنوب کوهپایه‌های البرز، از جمله عناصر

مقدمه | شکل‌گیری اولیه شهرها در کنار رودها دلایل بسیار متفاوتی از جمله تأمین معاش، کشاورزی و از همه مهم‌تر دسترسی به مایه حیات برای بقا بوده است. شکل‌گیری این شهرها در کنار این عنصر حیات‌بخش، حس مکان، حس تعلق، هویت و تاریخ را برای شهروندان شهر ایجاد کرده است. روددره‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های طبیعی در افزایش شادابی، سرزندگی و فضاهای شهری نقش بسیار

* نویسنده مسئول : farshad.bahrami@ut.ac.ir

شماره تماس : ۰۹۳۹۸۱۱۶۴۶۱

شهر و کالبدی پویا و سازگار با محیط طبیعی بوده‌اند (شیبانی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴). پیکره شهرهای ایرانی با توجه به محیط و بستر طبیعی و اکولوژیک طراحی شده‌اند و سه عامل آب، گیاه (باغ‌ها و مزارع) و بافت‌های معماری عناصر تشکیل‌دهنده آنها بوده‌اند. در این روند، شهرها از ترکیب طبیعی دو کریدور آبراه، زیرساخت‌های سبز و شکل‌گیری ارگانیک دانه‌های معماری در این بستر شکل می‌گیرند. کریدورهای سبز منطبق بر مسیرهای آبی مذکور، در واقع سازنده شارباغ‌ها هستند. در شهرهای سنتی ایران از ارتباط فضایی کریدورها و هم‌پوشانی آنها ساختار و شاکله شهر شکل می‌گرفت و در اندیشه ساخت شهر ارتباط تنگاتنگی میان کریدورها و دانه‌های معماری برقرار بود. به طوری که ساختار شهر در واقع از رابطه بین کریدورهای طبیعی (آبراه و زیرساخت سبز) شکل می‌گرفت (همان). شارباغ ایرانی از نظر ساختاری، از هندسه خطی پیروی می‌کند و دانه‌های باغات و معماری به صورت خطی و در امتداد محور رود شکل می‌گیرند. این عنصر معماری که محصول هم‌نشینی لاینفک عناصر متفاوت است در واقع یک منظر (عینی - ذهنی) است که می‌تواند الگو و پایه طراحی‌های نوین شهری و طبیعی باشد. شارباغ از تعامل دو عنصر زیرساختی و طبیعی (آب) و (گیاه)، در کنار عناصر و دانه‌های معماری به عنوان عناصر مصنوع شکل گرفته است. نمونه قابل توجهی از شارباغ‌های ایرانی را در سمرقند دوره تیموری می‌بینیم. «کلاویخو» شواهد گران بهایی از باغ‌هایی که هر باز از طرف «تیمور لنگ» به یکی از آنها دعوت می‌شده، می‌دهد: «... بولوارهای طوبیلی، این باغ‌ها را به دروازه‌های شهر وصل می‌کردند و در گذر از آنها به نظر می‌آمد، در جنگلی با درختان بلند که شهری در میان آن قرار گرفته است، قدم می‌زنید» (همان).

روددره درکه

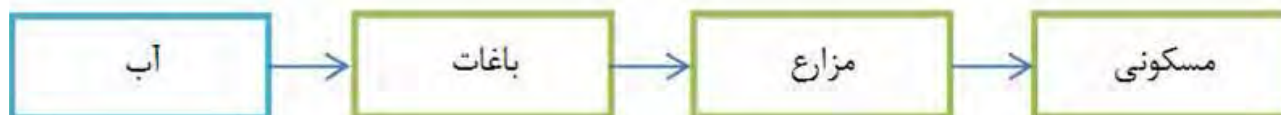
درکه یکی از مناطق طبیعی و بکر شهر تهران است. علیرغم گذشت زمان و شهرسازی مدرن، درکه از جمله مناطق طبیعی شهر تهران است که از گزند حوادث و اتفاقات مدرن به دور مانده است. جایگاه درکه نزد شهروندان تهران گاهی آن قدر بالاست که کوهنوردی در صبح جمعه به یک سنت دیرینه تبدیل شده است. این روددره همانند نمونه‌های مشابه خود، یکی از بارزترین مؤلفه‌های طبیعی شهر تهران محسوب می‌شود. گسترش و نفوذ روددره درکه در میان بافت‌های شهری و در نتیجه دسترسی‌پذیری بالای آن از جمله خصوصیات مهم این عنصر طبیعی است. این ویژگی برخلاف خصوصیات عناصر محیطی دیگر چون کوه‌ها،

مهم طبیعی در شهر تهران هستند. روددره‌های هفتگانه به عنوان محورهای شمالی جنوبی شهر تهران، محورهای جریان هوا و مسیرهای ارتباطی شمالی جنوبی به شمار می‌روند (آل‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). عناصر طبیعی این روددره‌ها به عنوان مؤلفه‌های منظرساز، در حفظ هویت شهر تأثیر بسزایی دارند. این مؤلفه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی شهر در جنوب کوهپایه‌های البرز جای گرفته‌اند و عدم توجه صحیح به آنها در مصوبه‌ها و طرح‌های جامع شهر تهران، از جمله دلایل اصلی تخریب و نابودی روددره‌هاست؛ پروژه‌هایی همچون بوستان نهج‌البلاغه و بوستان جوانمردان گویای این ادعاست که طراحان و مدیران شهری به دلیل عدم درک صحیح از عناصر منظرساز روددره‌های تهران، باعث نابودی بستر طبیعی آنها شده‌اند. در این روند رو به افول، شناخت صحیح مؤلفه‌های منظرساز این روددره‌ها بیش از گذشته ضرورت پیدا کرده است.

این پژوهش به دنبال شناخت صحیح مؤلفه‌های منظرساز یکی از روددره‌های شهر تهران به نام درکه است. این پژوهش با شناخت و به‌کارگیری الگوی شارباغ ایرانی سعی در سنجش نظریه شارباغ ایرانی در روددره درکه را دارد، که در واقع به دنبال سنجش امکان به‌کارگیری این نظریه در توسعه‌های آتی آن است. با وجود تجارب ناموفق در این زمینه و نابودی روددره‌های تهران، این پژوهش در راستای توسعه‌های آتی روددره درکه با معرفی شارباغ ایرانی به عنوان پایه و اساس روددره درکه، سعی در حفظ مؤلفه‌های منظرساز این روددره است و به دنبال آن سعی در حفظ هویت منظر شهری و طبیعت شهری است؛ که در واقع این موضوع ضرورت و اهمیت این پژوهش را مطرح می‌کند. این پژوهش در این راستا، به معرفی فرضیه شارباغ، معرفی روددره درکه و تطبیق مؤلفه‌های شارباغ ایرانی با روددره درکه می‌پردازد.

شارباغ ایرانی

فرضیه شارباغ ایرانی که توسط مهدی شیبانی و مریم اسماعیل‌دخت در مقاله‌ای تحت عنوان «شارباغ ایرانی» در شماره ۳۳ «مجله منظر» مطرح شد، فرضیه‌ای نوین بر شکل‌گیری شهر ایرانی بود. ایده شارباغ ایرانی اندیشه ایجاد منظر شهری پایدار در تعامل انسان و طبیعت، و ایجاد مکانی برای آسایش و آرامش، و محیطی جهت بهره‌وری بوده است. شارباغ‌ها در چهار اقلیم مختلف با هدف سازگاری با محیط و استفاده از عوامل محیطی به وجود آمده و به عنوان شالوده شهری ایرانی به دنبال ایجاد باغ



تصویر ۱: کالبد شکل‌گیری شارباغ ایرانی با توجه به سه عامل شکل‌دهنده آن، مأخذ: شیبانی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴.



تصویر ۲: کالبد شکل‌گیری شهرها و باغات در راستای حرکت آب، مأخذ: شیبانی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴.

جدول ۱: شناخت ویژگی‌ها و ساختار شکل‌گیری شارباغ ایرانی، مأخذ: نگارنده.

ویژگی‌ها	ظرفیت‌ها
۱. شکل‌دهی مورفولوژی و استخوان‌بندی شهر	۱. قابلیت توسعه شهرها در امتداد روددره‌ها
۲. از بارزترین مؤلفه‌های طبیعی برای برنامه‌ریزی شهری	۲. فضایی برای ارتباط نزدیک انسان و طبیعت
۳. وجود دره‌های سرسبز، خنکی آب و خرد اقلیم	۳. ایجاد فضاهای تفریحی
۴. سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی شهر	۴. افزایش محصولات باغات (کشاورزی)

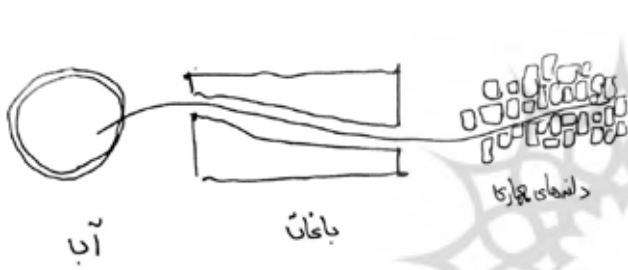
این ویژگی را تشدید کرده است. در نتیجه رودخانه، عنصر اتصالی بین مؤلفه‌های سازنده روددره درکه است (تصویر ۳). باغات درکه نیز به واسطه حضور آب در نقاط مختلف دره، خرد اقلیم‌های مختلفی را ایجاد کرده‌اند.

باغات درکه

باغات درکه شکل‌دهنده زیرساخت‌های سبز این دره هستند. این باغات در حاشیه رودخانه ایجاد شده‌اند و از فرم حرکتی آب تبعیت می‌کنند (تصویر ۳ الی ۶). ساختار این باغ‌ها به واسطه ساختار و بستر طبیعی دره، در امتداد یکدیگر الگویی مشابه باغ در باغ ایرانی را ایجاد کرده است. این زیرساخت‌های سبز که در تراس‌بندی‌های مختلف

باغ‌ها، مرتع‌ها و جنگل‌ها است که به دلایل روشن از شهروندان به دور هستند (کوزه‌گر کالجی و مسلمی، ۱۳۹۴)؛ به همین دلیل اهمیت این روددره تنها در ارزش‌های طبیعی و محیطی خود نهفته نیست، بلکه باگذشت زمان به منظر (پدیده‌ای عینی - ذهنی) تبدیل شده است.

پیکره روددره درکه با توجه به محیط و بستر خود شکل‌گرفته است و سه عامل آب، گیاه و لکه‌های معماری تشکیل‌دهنده آن هستند. در این ساختار رودخانه درکه (آب)، اصلی‌ترین مؤلفه است که باغات (گیاه) و لکه‌های معماری (روستای درکه) از فرم حرکتی آن تبعیت می‌کنند؛ به طوری که مسیر حرکت آب در خط القعر، ساماندهی خطی را به وجود آورده است و عرض کم بستر دره نیز،



تصاویر ۳ و ۴: کالبد شکل‌گیری روستای درکه و باغات در راستای حرکت آب (سمت راست دیاگرام روددره درکه است که از عکس هوایی آن استنتاج شده است). مأخذ از چپ به راست: نگارنده و <https://www.google.com/maps/place/Darakeh+River>



تصاویر ۵ الی ۷: باغات درکه در حاشیه رودخانه از فرم حرکتی آب تبعیت می‌کنند. مأخذ: <https://www.google.com/maps/place/Darakeh+River>

دو شیوه آبرسانی، ساختار شارباغ را ایجاد می‌کرده است. روددره درکه نیز همانند شارباغ ایرانی، توسط رودخانه درکه شاکله اصلی خود را شکل می‌دهد (تصویر ۱۱). در این روند، کریدورهای سبز منطبق بر مسیرهای آبی مذکور، در واقع سازنده شارباغ هستند (شیبانی و اسماعیل‌دخت، ۱۳۹۴) و باغات درکه نیز همانند شارباغ ایرانی منطبق بر مسیر رودخانه، سازنده شاکله و ساختار کلی روددره درکه است (تصویر ۱۲)؛ و دانه‌های معماری روددره درکه همانند ساختار شارباغ ایرانی، در ترکیب طبیعی دو کریدور آبراه و زیرساخت‌های سبز شکل گرفته‌اند (تصویر ۱۳). با وجود تمام شباهت‌ها بین شارباغ ایرانی و روددره درکه، عدم وجود اراضی کشاورزی (مزارع) در ساختار روددره درکه مشهود است. با توجه به ساختار و بستر رود این منطقه، امکان ایجاد مزارع وسیع و گسترده وجود ندارد اما عمل کشاورزی و برداشت محصول در درون باغات شخصی این ناحیه انجام می‌گیرد (تصویر ۱۴).

با توجه به مطلب ذکر شده می‌توان این نکته را استنتاج کرد که روددره درکه همچون شارباغ ایرانی محصول هم‌نشینی لاینفک عناصر متفاوت است و مؤلفه‌های شارباغ ایرانی به عنوان شاکله اصلی شهرهای ایرانی می‌تواند پایه و اساس روددره درکه باشند و این روددره همراه با مؤلفه‌های اصلی خود (آب، گیاه و معماری) با کالبدی پویا و سازگار با محیط طبیعی خود، همچون شارباغ ایرانی عمل می‌کند.



تصویر ۹: الگوی باغات درکه و هندسه ارگانیک آنها. مأخذ: <https://www.google.com/maps/place/Darakeh+River>

ایجاد شده‌اند دارای هندسه ارگانیک، ساختار خطی، تراس‌بندی‌ها مختلف و فضاسازی‌های متنوع هستند. باغات درکه همچون باغ ایرانی محصور هستند و عمل کشاورزی و برداشت محصول از ارکان اصلی این باغات به شمار می‌رود؛ اما تفاوت اصلی بین باغ ایرانی و این باغ‌ها، در هندسه و ساختار کلی باغ است. شکل‌گیری باغات درکه در بستر و شیب تند دره، بر هندسه این باغات تأثیر گذاشته است. در نتیجه، هندسه آنها از هندسه رسمی باغ ایرانی پیروی نمی‌کنند (تصاویر ۸ و ۹).

روددره درکه به مثابه شارباغ ایرانی

شاکله روددره درکه تابع سه مؤلفه اصلی است که آب (رودخانه درکه)، گیاه (باغات) و دانه‌های معماری (روستا درکه) سازنده آن هستند. با بررسی دقیق این سه مؤلفه می‌توان این موضوع را استنتاج کرد که مؤلفه‌های سازنده روددره درکه همان مؤلفه‌های شارباغ ایرانی هستند. در این راستا مؤلفه‌های شارباغ ایرانی و روددره درکه نسبت به هم سنجیده می‌شوند:

از لحاظ ساختار، روددره درکه همچون شارباغ ایرانی از فرم خطی تبعیت می‌کند و دانه‌های باغات و معماری به صورت خطی و در امتداد محور رود شکل می‌گیرند (تصویر ۱۰). شارباغ ایرانی از دو طریق رودخانه و یا قنات، آب مصرفی خود را تأمین می‌کند؛ در نتیجه یکی از این



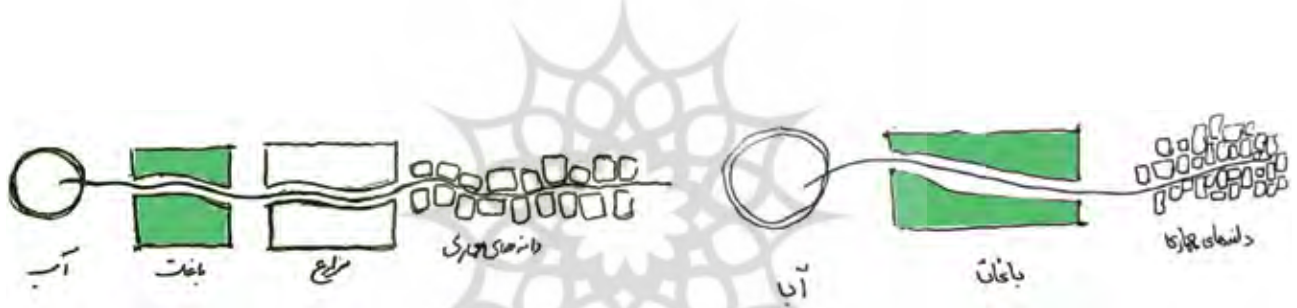
تصویر ۸: الگوی باغ در باغ و هندسه ارگانیک باغات درکه منطبق با مسیر حرکتی رود. مأخذ: نگارنده.



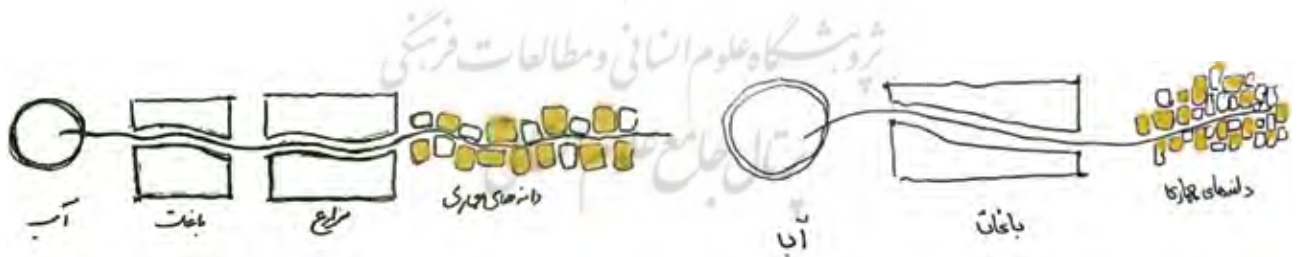
تصویر ۱۰: مقایسه ساختار و شاکله شارباغ ایرانی (سمت چپ) و روددره درکه (سمت راست). مأخذ: نگارنده.



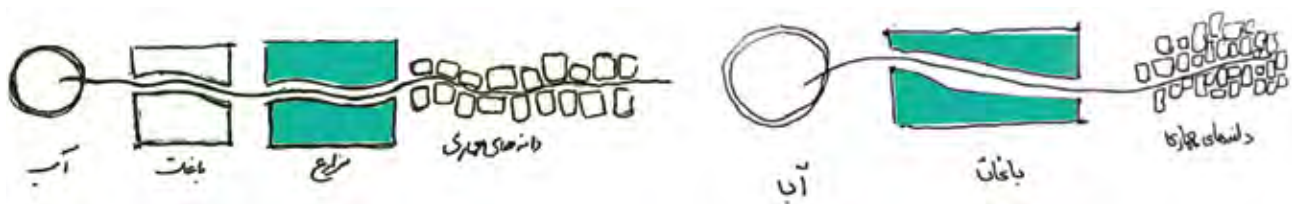
تصویر ۱۱: مقایسه منبع تأمین آب در شارباغ ایرانی و روددره درکه. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۲: مقایسه زیرساخت‌های سبز در شارباغ ایرانی و روددره درکه. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۳: مقایسه دانه‌های معماری در شارباغ ایرانی و روددره درکه. مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۴: مقایسه مزارع در شارباغ ایرانی و روددره درکه. مأخذ: نگارنده.

توسعه‌های آبی روددره در که

نتیجه‌گیری

تجارب ناموفق در طرح‌ها و ساختارهای مشابه روددره در که، همچون بوستان جوانمردان و بوستان نهج‌البلاغه و تحمیل هویتی خارجی به هویت طبیعی این روددره‌ها، نتیجه‌ای جز دوری مردم از طبیعت و جدایی شهر از طبیعت و تخریب ساختار طبیعی این روددره‌ها را نداشته است؛ در نتیجه شناخت مؤلفه‌های منظرساز و تقویت کیفیت طبیعی آنها، نیازمند یک رویکرد عینی - ذهنی است.

در این پژوهش سعی شد که مؤلفه‌های سازنده شارباغ ایرانی با مؤلفه‌های سازنده روددره در که مقایسه شوند و به نظر می‌رسد که ساختار روددره در که و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، ساختاری مشابه شارباغ ایرانی دارد. وجود عناصر و مؤلفه‌های همچون آب، گیاه و دانه‌های معماری در ساختاری خطی که از فرم حرکتی آب تبعیت می‌کنند، ساختار روددره در که را همچون شارباغ ایرانی شکل می‌دهند، ساختاری که با توجه به محیط و بستر طبیعی دره شکل گرفته است. عدم وجود مزارع کشاورزی به عنوان یک مؤلفه جدا و مستقل در روددره در که مشهود است اما عمل کشاورزی و بهره‌برداری از محصول در باغات بومی در که نهفته است و درختان مثمر این وظیفه را برعهده دارند. در این روند، شناخت عناصر منظرساز روددره در که که در این پژوهش به آنها پرداخته شد، شاکله اصلی آن است و انطباق این عناصر با عناصر اصلی شارباغ ایرانی امکان توسعه آبی آن را بر اساس الگوی شارباغ ایرانی بازگو می‌کند.

در حوزه مورد بررسی مقاله، شهر تهران تاکنون دارای سه طرح جامع بوده که در سال‌های گذشته تصویب و برخی مفاد آنها در مقاطع زمانی خاص اجرا شده است. در طرح‌های جامع مصوب سال ۱۳۴۷ و ۱۳۶۹، روددره‌ها بیشتر به عنوان ابزاری برای کنترل سیلاب تلاقی شده‌اند اما در طرح جامع مصوب سال ۱۳۸۶ این نگاه به روددره‌ها تا حد زیادی تغییر می‌کند و روددره‌ها علاوه بر کنترل سیلاب، دارای ظرفیت ایجاد فضاهای تفریحی نیز می‌شوند (کریمی مشاور، ۱۳۹۲) و در خصوص بازیابی ظرفیت‌های طبیعی روددره‌ها، طرح بخصوص و مصوبی وجود ندارد (آل‌هاشمی و شهسوارگر، ۱۳۹۲). اما با این وجود در طرح جامع مصوب سال ۱۳۸۶ شهر تهران به ارتقای پیوستگی فضایی - حرکتی در طول محور، بهره‌گیری از قابلیت‌های طبیعی موجود در جهت ارتقای مناظر شهری محور، توسعه و گسترش فضاهای عمومی در طول محور در رابطه با روددره در که مطرح شده است. با توجه به نگاه سطحی و اجمالی به کریدروهای اصلی شهر تهران از جمله روددره در که و عدم وجود طرح بخصوص، خطر تخریب این روددره همانند روددره‌های دیگر افزایش پیدا می‌کند و همانند تجارب قبلی شاهد به‌کارگیری هویت تحمیلی و خارجی بر این مکان و تخریب منظر این رود خواهیم بود. در این راستا استفاده از هویت طبیعی این روددره در طرح ساماندهی و توسعه آن بیش از گذشته اهمیت و ضرورت دارد و با استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها آن، می‌توان طرحی سازگار با محیط و منظر آن پیشنهاد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- آل‌هاشمی، آیدا و شهسوارگر، مولود. (۱۳۹۲). طبیعت مصنوعی، ارزیابی رویکرد طراحی بوستان نهج‌البلاغه و جوانمردان. مجله منظر، ۵ (۲۴): ۴۴ - ۴۷.
- آل‌هاشمی، آیدا، باقری، یوسف و اخوان، عرفان. (۱۳۹۴). هویت طبیعی یا تحمیلی؟ بوستان جوانمردان، منظره‌سازی در دره کن. مجله منظر، ۷ (۳۱): ۹۴-۱۰۳.
- شیبانی، مهدی و اسماعیل‌دخت، مریم. (۱۳۹۴). شارباغ ایرانی. مجله منظر، ۷ (۳۳): ۱۴-۲۱.
- کریمی مشاور، مهرداد. (۱۳۹۲). رودهای تهران. مجله منظر، ۳ (۱۷): ۵۲-۵۵.
- کوزه‌گر کالجی، لطفعلی و مسلمی، آرمان. (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی راهبردی احیای محیط طبیعی رودخانه‌های شهر تهران (نمونه موردی: رودخانه درکه)، فصلنامه علوم محیطی، ۱۳ (۳): ۱۱۳ تا ۱۲۴.
- مهندسین مشاور بوم سازگاران. (۱۳۸۶). طرح جامع شهر تهران، طرح راهبری - ساختاری توسعه و عمران شهر تهران.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

بهرامی، فرشاد. (۱۳۹۷). دره درکه، به مثابه شارباغ ایرانی. مجله منظر، ۱۰ (۴۳): ۴۱-۳۴.

DOI: 10.22034/manzar.2018.68624

URL: http://www.manzar-sj.com/article_68624.html

